

کودتا کردند، من می‌گویم اتفاقاً سپهدار خودش بخشی از کودتاست. بنابراین اینکه استاروسلسکی می‌گوید من با نظر شاه کار می‌کنم فرقی نمی‌کند، چون ما عمق و گستره ارتباطات فتح‌الله‌خان اکبر سپهدار رشتی را با بریتانیا می‌بینیم.

ما داریم درباره زمانی صحبت می‌کنیم که نیروهای آبرونساید و دانسترویل ایران را در سیطره خودشان داشتند و عملاً به تمام نقاط شمال و جنوب مسلط بودند. یکی از چیزهایی که فرمودید این است که عده‌ای می‌گویند کودتا آمد و پلیس جنوب را هم منحل کرد. می‌خواهم عرض کنم که هم پلیس جنوب و هم قرارداد ۱۹۱۹ در زمانی که کودتا شد عملاً وجود نداشتند و در واقع کودتا ادامه راه پلیس جنوب و قرارداد ۱۹۱۹ بود، با یک تبصره و آن هم اینکه آنها با هزینه بودجه بریتانیا اداره می‌شدند.

■ **محبوبی: پلیس جنوب وجود خارجی داشت.**

تفرشی: نه، عملاً بعد از جنگ تمام شده بود.

■ **محبوبی: در اسناد هندوستان هست که نیروها را فراخوان دادند.**

تفرشی: حضور داشت، ولی بعد از جنگ دیگر کارایی‌اش را از دست داده بود. پلیس جنوب و قرارداد ۱۹۱۹ در زمان وجودشان با پول و هزینه بریتانیا اداره می‌شدند. از زمان کودتا تغییر شکل پیدا می‌کنند و همان نقشه‌ها با پول ایران انجام می‌شوند.

■ **محبوبی: در یکی از اسناد روزهای منتهی به کودتا، سفارت انگلستان به اتباع انگلیسی و اروپایی حالت آماده‌باش و هشدار می‌دهد که از تهران خارج شوند. به موازات این موضوع پلیس جنوب از شیراز و اگر اشتباه نکنم از کرمان نیروهایی را به اصفهان**

انگلیسی‌ها خیلی فعالیت می‌کند.

■ **محبوبی: انگلیسی‌ها در اسناد نسبت به او خیلی فحاشی و بدگویی می‌کنند.**

تفرشی: مفصل. در اسناد منتشر نشده انگلیسی چندین پرونده هست که کپی‌های آنها را در اختیار دارم. انگلیسی‌ها فشار می‌آوردند تا او را به زانو درآورند. پدرش واسطت و شفاعت می‌کند و سرپرسی لورن، وزیرمختار انگلیس در تهران که روابط نزدیکی با رضاخان - و بعد رضاشاه - داشت، می‌گوید ما او را می‌بخشیم و با لندن هم مکاتبه می‌کند، ولی می‌گوید اصلاً تصور نکنید مناسبات ما با نصرت‌الدوله به صورت قبل که حسنه بود برمی‌گردد؛ به هیچ‌وجه قابل برگشت نیست.

نکته دوم اینکه یکی از دستگیرشدگان کودتا، احمد قوام (قوام‌السلطنه) است. می‌دانیم قوام‌السلطنه در مواجهه با قدرت‌های بزرگ خارجی در ایران، چه با روسیه شوروی، چه با بریتانیا و چه با امریکایی‌ها، فراز و نشیب‌های زیادی داشت. نامه بسیار مهمی از قوام‌السلطنه در زندان به خط خودش وجود دارد که این را در جایی چاپ کردم ولی در ایران چندان به آن توجه نشد. نامه‌ای که قوام‌السلطنه در زندان خطاب به نورمن می‌نویسد در واقع نامه تضرع است. در آن نامه شرح خدمات خودش را برای انگلیسی‌ها می‌دهد، بخصوص در مشهد که با ژنرال پریدوکس چقدر به نفع انگلیسی‌ها کار کردم و حق من نیست در زندان باشم. در این اسناد جوابی از نورمن نیست، ولی نتیجه‌اش این است که مدت کوتاهی پس از خروج سیدضیاء از ایران، قوام‌السلطنه از زندان آزاد و نخست‌وزیر می‌شود.

تفرشی: بریتانیا بعد از جنگ به شدت ضعیف و بی‌پول شده بود. در جنگ دوم جهانی درست است که پیروز جنگ بود، ولی تمام عده و عده‌اش را در جنگ خرج کرده بود و ابر قدرت بالایی نبود، به همین دلایل، نیازمند این بود که ایران را به هر قیمتی داشته باشد

رنجبر کرمانی: کودتای ۱۲۹۹، پدیده‌ای انگلیسی بود. ارزیابی ما از حوادث تاریخی هیچ‌گاه بر اساس نیت نیست، بلکه بر اساس نتیجه است. آنچه که در مقاطع مختلف حکومت رضاخان اتفاق افتاد، در چهار چوب سیاست‌های انگلستان بود

رنجبر کرمانی: تصورم این است که می‌توانیم از بحث امروز این نتیجه را بگیریم که کودتای ۱۲۹۹، پدیده‌ای انگلیسی بود. ارزیابی ما از حوادث تاریخی هیچ‌گاه بر اساس نیت نیست، بلکه بر اساس نتیجه است. آنچه که در مقاطع مختلف حکومت رضاخان اتفاق افتاد، در چهار چوب سیاست‌های انگلستان بود. بنابراین خیلی خلاصه و موجز می‌توانیم این نتیجه را بگیریم که کودتای ۱۲۹۹ پدیده‌ای کاملاً انگلیسی و برخلاف تمام چیزهایی است که در این مورد تبلیغ می‌کنند.

■ **پی‌نوشت‌ها**

[۱] Arab Bureau

[۲] Mother of Iraq

[۳] Briton Busch

[۴] John Townsend, Proconsul to the Middle East: Sir Percy Cox and the End of Empire. London and New York: I. B. Tauris, 2010.

[۵] Ronald Ferrier, The History of the British Petroleum Company, Vol. 1: The developing years, 1901-1932-. Cambridge: Cambridge University Press, 1982.

[۶] James Bamberg, The History of the British Petroleum Company, Vol. 2: The Anglo-Iranian Years 1928-1954-. Cambridge: Cambridge University Press, 2012.

[۷] Equal Opportunity

[۸] North Persia Force (NorperForce)

[۹] South Persia Rifles (SPR)

یعنی اگر پاسخ مکتوب نگرفت، اما عملاً پاسخش را دریافت کرد. نمی‌خواهم بگویم قوام‌السلطنه انگلیسی یا جاسوس یا مزدور بود. می‌خواهم بگویم انگلیسی‌ها سیاست متشنتی داشتند و سیاستشان این نبود که همه را روی سیدضیاء و رضاخان بگذارند، کما اینکه میان سیدضیاء و رضاخان هم رضاخان را ترجیح دادند و سیدضیاء را تبعید کردند، ولی اینکه بگویند چند سناریو برای کودتا وجود داشت به معنای عدم وابستگی کودتای سوم اسفند نیست.

■ **محبوبی: مهم‌ترین چهره‌ای که برای کودتای موازی مطرح شده نصرت‌الدوله است و داستان‌ها سروده‌اند که پشت گردنه اسدآباد برف آمده بود و در آنجا ماند و نتوانست خود را برساند و کودتا کند و رضاخان زودتر از او رسید. حال آن‌که او در تهران بود و دستگیر شد. دوست داشتیم این بحث را هم مطرح کنیم که با وجود این همه وابستگی و این همه خدمت به ابر قدرتی مثل انگلستان، انگلیسی‌ها نباید از او کینه شخصی داشته باشند. اما در نامه‌ها و مکاتبات رجال و سیاستمداران انگلیسی، حملات و حملات بسیار تند و شدیدی علیه نصرت‌الدوله دیده‌ام و این هم برایم سؤال است.**

تفرشی: بریتانیا روی نصرت‌الدوله و خانواده‌اش سرمایه‌گذاری زیادی کرده بود و چون یک فرد تحصیل کرده بود، به او به عنوان ستون روابط ایران و انگلستان در آینده نگاه می‌کردند و وقتی نصرت‌الدوله همراه با مرحوم مدرس علیه انگلستان فعالیت می‌کند، برایشان گران تمام می‌شود. نکته دوم اینکه در سیاست اغراض شخصی هم وجود دارد، یعنی این جور نیست که خارجی‌ها اغراض شخصی

اعزام می‌کند.

تفرشی: شاید هم بوشهر.

■ **محبوبی: شیراز را مطمئنم، کرمان را مطمئن نیستیم. پلیس جنوب نیروهایی را به اصفهان اعزام می‌کند تا به حالت آماده‌باش در آنجا مستقر باشند. این دو موضوع را که کنار هم می‌گذاریم، یعنی اولاً پلیس جنوب فعال بود و ثانیاً در عرصه سیاست بازنگری می‌کرد.**

تفرشی: لذا این گزاره که روح انگلیس از کودتا خبر نداشت باطل است.

در این مورد نکته‌ای را بگویم. اینکه برای یک تغییر نظامی سناریوهای مختلفی اعم از مستقل یا وابسته وجود داشته باشند، چیز عجیبی نیست. در یک کشور به هم ریخته، ورشکسته و اشغال شده همه علاقه‌مند به تغییری ناگهانی و سریع هستند.

■ **محبوبی: یعنی به دل همه می‌افتد که من هم باید کاری بکنم...**

تفرشی: این که نصرت‌الدوله بلافاصله بعد از کودتا دستگیر می‌شود، لزوماً به این معنی نیست که نصرت‌الدوله نمی‌خواست کودتا کند. در مورد نصرت‌الدوله به نکته‌ای اشاره می‌کنم. کودتای ۱۲۹۹ نقطه عطفی در زندگی نصرت‌الدوله است. بعد از کودتا دستگیر و سپس آزاد می‌شود و به وزارت هم می‌رسد، ولی دیگر هیچ‌گاه روابطش با انگلیسی‌ها خوب نمی‌شود، یعنی تا روز مرگش انگلیسی‌ها از او کینه دارند. در فاصله کودتا تا تغییر سلطنت فرمانفرما حداقل ده دیدار با نورمن و سرپرسی لورن کرده است که از انگلیسی‌ها دلجویی و برای پسرش شفاعت کند تا او را ببخشند، چون بعد از آزادی از زندان علیه